

شُرط : توافق طرفین برای ایجاد اثر حقوقی

جنبه فرعی

شُرط سنت

شُرط فعل : تعهد به انجام یا عدم انجام کاری در آینده
(تنبیه)

شُرط نتیجه : یک عمل حقوقی یا اثر عمل حقوقی را در عقد شُرطی نسم
تا به محض اشتراط ، حاصل شود.
(نقد)
(شرط کرین)

در شرط فعل ، امکان تخلف وجود دارد.

در شرط نتیجه ، امکان تخلف وجود ندارد.

شرط فعل ، ایجاد تعهد می کنند

شرط نتیجه : ایجاد تعهد نمی کنند

چون همین الان حاصل شده

آپارتمان — عقد — یک میلیارد تومان

به شرط این که انلستر فرستاده برای خریدار باشد



انتقال مالیت — همین الان نه

شروط نسیم

شرط تنصیف داری

اگر شوهر بی دلیل زن خود را طلاق دهد

نسبه - شرط فعل

موظف است تا نصف داری که در زمان زوجیت

به دست آورده، چنانچه زن خود بدهد.

موضوع
شرط و فعل

عمل ماری

مثبت (انجام کاری)

رنگ کردن خانه
تعمیر ماشین

منفی (عدم انجام کاری)

در تراس چری
فرار زنده

عمل حقوقی

مثبت (انجام مد عمل حقوقی)

خانه - یک میلیارد

به شرط این که پایدیت را

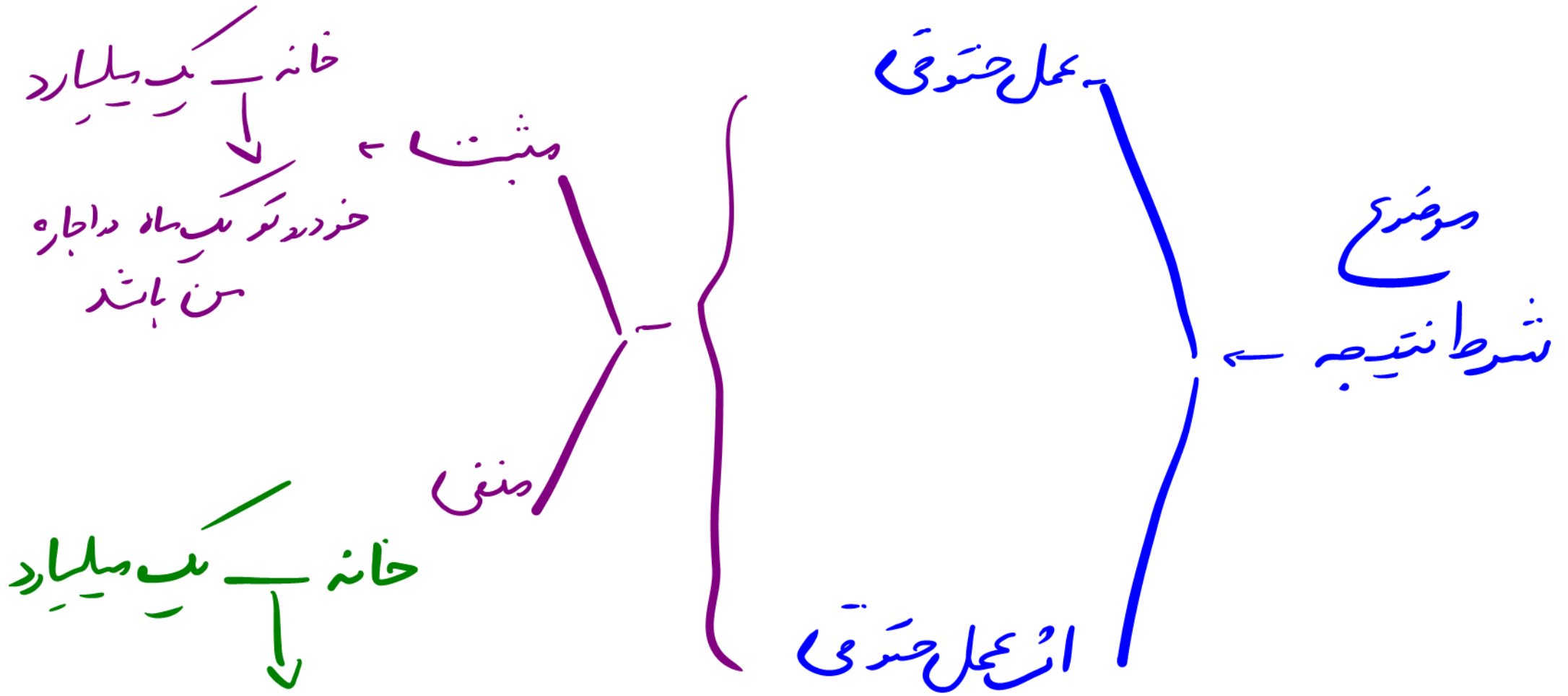
یک ماه به من اجاره بدهی

منفی (عدم انجام مد عمل حقوقی)

خانه - یک میلیارد

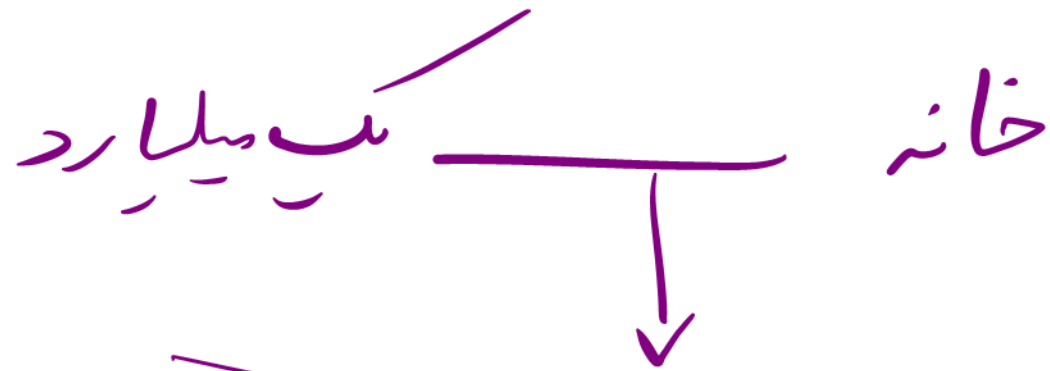
به شرط این که به دانشجوی اجاره ندهی

عمل مادی نمی تواند موضوع شرط نتیجه باشد



استاد اص یعنی لایق حق نداری به دانشجو اجازه بدی

خانه ————— یک میلیارد



~~چون این به خودری من تعریف باشد~~

محمل ماری نمی تواند مریضی شرط بندی باشد.

شرطاً نتیم رانی شود تخلف کر

من تخلف کردم

کار صحیح نیست

(رض مائون)

باطل

در کار نوزبان
عیر تاند

ضمانت اجرای تکلف از شرط فعل ۴ اصراً ۳ پله ای

پله اول ۴ التزام

پله دوم ۴ انجام تدریقات ۳ به خرج مشروط علیہ

پله سوم ۴ حق منخ برای مشروط له

در قرارداد فردی یک ابارمان، بر مبنای شرط شده

خودری فردی را صافکاری کند، بعد از قرارداد، فردی

خودری را آتش می زند

بلیه اول - الزام ← نمی شود

بلیه دوم - انجام توسط شرط علی نمی شود
نات به هیچ

نمی شود چون خود شرطی است
شده امکان انجام شرط نباشد. → بلیه سوم - منقضی

اگر عدم انجام شرط فعل، منتنب به مشروطه

==

باشد، حق وضع ایجاد نمی شود.

در شرط مثل چه کسی را الزام می کنیم ؟

مُشروط علیه

مُشروط له را یعنی مستود الزام سر

مُشْرُطاً لَهُ ←

طَرَفٌ قَارِدَادٌ لَهُ شُرْطٌ بِهِ دِرْخَوَاسَتٌ اَوْ دِرْمَارَادٌ
درج شده است.

مُشْرُطاً عَلَيْهِ ← طَرَفٌ قَارِدَادٌ لَهُ شُرْطٌ بِرِیْرَدَنِ اَوْسَت

اگر قرارداد اصلی، منحل ^(اقاله) شود ^(هر طوری که) ^(منحل شود)

اگر مشروط علیه، شرط فعل را انجام نداده ^{بماند} استثناء: در تعهد به منع ثالث، در اقاله باید طوری اقاله کنیم در حق ثالث محفوظ

مشروط علیه می تواند عوض

اگر مشروط علیه، شرط فعل را انجام داده ^{یا} آن را از مشروط له

بگیرد

~~انقضای شرط~~

شرط اندر چه بوده

حانہ ————— مہ صیلارد

بہنہ اہل بہ ماسین سن رائفیرنی

شُرط : تعهد بہ تنوع حالت

مُشرطاً علیہ می تواند

اگر قرارداد اصلی منحل شود و شرط انجام شده : عوض آن را از
شرطاً له بگیرد

اگر قرارداد اصلی منقضی { - شود
منفسخ

تعهد بہ تنوع حالت هم زائل می شود

اگر شرط منحل انجام نشده -

اگر قرارداد اصلی اتمام شود باید طوری اتمام کنیم که حق حالت
محفوظ بماند

صمات اجرای تخلف از شرط فعل

اصولاً ۳ پله ای

اصولاً حق فسخ مستقیم نداریم

پله اول - الزام

پله دوم - انجام توسط ثالث

به فرج مشروط علیه

پله سوم - حق فسخ برای مشروط الیه

انتفاء ۛ در موارد زیر مستقیم حق ضغ داریم .

① تعذر مطلق الف) سالبه به انتفاء موضوع

ب) وحدت مطلب

ج) قید مباشرت

ۛ شرط نقل منفی

اول الزام

ۛ شرط نقل ماری

اصولاً

به جنبه التمرار دارد

قرارداد اصلی اگر اربابان یک میلیارد



خریدار متعهد شد به دانشجو اجاره ندهد.

↓
شرط فعل

اگر اجاره داد به قرارداد اجاره صمیم

شرط له حق منع
قرارداد شرطیه
را دارد

حق ندارد اجاره بدهد - شرط تنصیب

همی توان تخلف کرد - اگر اجاره داد

↓
قرارداد اجاره
باطل
غیر نافذ

متعهد شد اجاره ندهد - شرط فعل تخلف کرد - اجاره صحیح
↓
سُوده‌المرحی فسخ قرارداد مشروطیه را دارد

② شرط فعل ضامن دادن

شخص معین
یا
هر شخص

بر خریدار شرط شد پدری را به عنوان ضامن بیادرد

بر خریدار شرط شد یک ضامن بیادرد

③ شُرْطُ فَعْلٍ رَهْنِ دَادَن مَالِ لَلِ

رَايِدَ - ۲۰۰۰ دِينَار

بِخَرِيدَارِ شُرْطِ سَدِّ مَالِي رَا بَابِ تَمَنِّ رَهْنِ بَلْذَارِدِ
لَلِ فِي الذَّمِّ

شُرْطُ رَهْنِ دَادَن عَيْنِ حِينَ - مَتَقِيمِ صَنِيعِ نَدَارِمِ

النَّاسِ

صَنِيعِ

در قرارداد فروشی یک آپارتمان، بخریدار شرط شد
که خودرویی را در رهن فروشنده قرار بدهد.

نگین ← ضمانت اجاره‌ای

شرط نقل رهن دادن مال رهن

④ شروط در قرارداد اجاره

⑤ شروط مندرج در قرارداد ارفاقی

بین تاجر و طلبکاران ارفاقی

⑥ طرفین توافق کرده باشند، در صورت تخلف از شرط عقل
موضوع له مستقیم منفعه داشته باشند.

تاجب در سلسله می شود

۱۰ ملین



به بنیت طلب، به طبکاران می رسم

هم غرضای

۵۰ ملین

طبکاران



طبکاران ارفاقی
↓ به قرارداد ارفاقی

طبکار غیر ارفاقی

شرط فعل رهن دادن مال معین

در قرارداد فروش یک آپارتمان ، بر خریدار شرط شد خودروس

را در رهن فرستاده باز دهد .

فقط
حق فسخ
اگر قبل از رهن دادن ، خودروسکن شود معیوب
برای مشروط له

~~عین این~~

اگر بعد از رهن دادن ، خودروسکن شود معیوب
چون مشروط علیه شرط را انجام داده
مشرط له حق فسخ ندارد

تقدر شرط

ماده ۲۴۲ - هرگاه در عقد شرط شده باشد که مشروط علیه مال معین را رهن دهد و آن مال تلف یا معیوب شود مشروط له اختیار فسخ معامله را خواهد داشت نه حق مطالبه عوض رهن یا ارزش عیب و اگر بعد از آن که مال را مشروط له به رهن گرفت آن مال تلف یا معیوب شود دیگر اختیار فسخ ندارد.

مشروط علیه شرط

را انجام داده

اصولاً ضمانات اجرای تکلیف از شرط فعل ۳ پایه ای



استدناء
یک ایستاد و بره

حق نسخ مستقیم

الزام موضوعان
داربجا

① تعذر مطلق *

تخلف معین *

* الزام ندایم *

② شرط فعل ضامن دادن / هر شخصی

③ شرط فعل رهن دادن مال کلی

④ شرط مندرج در قرارداد اجاره

⑤ شرط مندرج در قرارداد ارضاتی

⑥ طریقی کوائف کرده اند در صورت تکلیف از شرط فعل

مروطا له مستقیم من نسخ دائر باشد

کتاب عمل ماری است.

قبض و اقباض

شریئات

کارهای ماری لازم دارد.

نظم سندی. خبریه

عقود عینی

اصولاً

یعنی تواند موضوع شرط نتیجه باشد.

شریئاتی

استثناء: در عقود عینی اگر مال از قبل در تصرف طرف مقابل باشد.

